

The Possibilities of Cooperation between Islamic Republic of Iran and Iraq in Combating Terrorism in Line with the General Policies of the System



Safar Ali Rezaei¹ , * Bashir Ismaili Gonharani² , Ismail Shafiei Sarvestani³ 

1. PhD Candidate of Political Science, Faculty of Humanities, Shahreza Islamic Azad University, Shahreza, Iran
2. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Shahreza Islamic Azad University, Shahreza, Iran
3. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Shahreza Islamic Azad University, Shahreza, Iran



Citation: Rezaei, S. A., Ismaili Gonharani, B., & Shafiei Sarvestani, I. (2023). [The Possibilities of Cooperation between Islamic Republic of Iran and Iraq in Combating Terrorism in Line with the General Policies of the System]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 11 (1), 112-138. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2022.340034.2415>

 <https://doi.org/10.30507/JMSP.2022.340034.2415>

 20.1001.1.23452544.1402.11.41.5.1



Funding: See Page 682

Received: 30/04/2022

Accepted: 28/06/2022

Available Online: 21/03/2023

Article Type: Review paper

Key words:

Iraq; national security; homogenization; Islamic Republic of Iran.

ABSTRACT

Security, fighting insecurity and development are three important factors in every country, so thinkers have tried to find a relationship between them. Developing this relationship in developing countries such as Iran and Iraq considering the security approach is deeply difficult. On the other hand, middle east is a geo-political area which has common positive and negative aspects of the countries, which can on its own account, result in opportunities and threats. The internal challenges and the external threats has made middle east a fragile area. However, one can identify internal strengths and external opportunities which can bring along coherence, development, and security among the countries. Iran and Iraq have cooperation on the one hand, and opportunities and challenges on the other, some of which are related to the internal environment and some others to their regional and international spheres. To be coherent, they need a model based on the internal and external elements that can soothe the challenges at the expense of the opportunities. That being said, the chances for the security cooperation between Iran and Iraq has been stated in line with the general policies of the system. This study focuses on the following question: what impact does the security cooperation in national and international level have on the counter-terrorism plans (regional and international) of Iran and Iraq? To answer this, it is hypothesized that the counter-terrorism plans can bring the two countries closer from the political and security aspects to be more in line in combating against terrorism. To test out this hypothesis, after some theoretical and historical studies, a descriptive-analytical method was used to convergence theory between the two countries from the perspective of counter-terrorism and convergence. Then, the security and counter-terrorism plans were content-analyzed. Afterwards, it was attempted to investigate the geo-political realities of the region so that a convergence model for the region could be designed.

JEL Classification: H55, H56, F52.

* Corresponding Author:

Bashir Ismaili Gonharani, PhD

Address: Shahreza Islamic Azad University, Shahreza

Tel: +98(994)4320214

Email: ashena1399@gmail.com

زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران و عراق در مبارزه با تروریسم در راستای سیاست‌های کلی نظام

صفرعلی رضایی^۱، * بشیر اسماعیلی گنهرانی^۲، اسماعیل شفیعی سروستانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران
۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران
۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران

20.1001.1.23452544.1402.11.41.5.1

چکیده

امنیت، مبارزه با ناامنی و توسعه در جهان کنونی سه مقوله بسیار مهم و حیاتی برای دولت‌هاست و به همین دلیل اندیشمندان به لحاظ نظری کوشیده‌اند نسبت بین آن‌ها را تبیین کنند. برقراری این نسبت در کشورهای در حال توسعه مانند ایران و عراق نیز با توجه به غلبه رویکردهای امنیتی و اولویت آن در توسعه، با دشواری‌های بیشتری همراه بوده است. از طرفی خاورمیانه منطقه‌ای ژئوپلیتیکی است که می‌توان وجوه اشتراک مثبت و منفی بسیاری در بین کشورهای آن وجود دارد که موجب ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهایی در این منطقه شده است. چالش‌های داخلی منطقه و تهدیدهای بیرونی سبب شده منطقه خاورمیانه در وضعیتی شکننده قرار بگیرد. اما قوت‌های داخلی و فرصت‌های بیرونی نیز وجود دارد که زمینه‌های هم‌گرایی این کشورها و توسعه و امنیت در منطقه را فراهم آورده است. کشورهای ایران و عراق در خاورمیانه در مسیر هم‌گرایی و روابط متقابل، ظرفیت‌ها و چالش‌هایی دارند که برخی از آن‌ها در محیط داخلی و روابط بین این کشورها و بعضی نیز در محیط بیرونی منطقه و جهان ریشه دارد. برای رسیدن به هم‌گرایی باید الگویی براساس این عوامل داخلی و خارجی طراحی کرد که ضمن کاهش چالش‌ها به توسعه ظرفیت‌ها بپردازد. با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش، زمینه‌های همکاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عراق در راستای سیاست‌های کلی نظام بررسی شده است. پرسش پژوهش عبارت است از: زمینه‌های همکاری امنیتی در سطوح ملی و بین‌المللی چه تأثیری در برنامه‌های مبارزه با تروریسم (منطقه‌ای و بین‌المللی) در جمهوری اسلامی ایران و عراق داشته است؟ در پاسخ به این پرسش بر این فرضیه تأکید می‌شود که اشتراکات مبارزه با تروریسم، از نظر سیاسی و امنیتی ایران و عراق باعث نزدیک شدن دیدگاه‌های سران دو کشور در جهت تدوam هم‌گرایی آن‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم شده است. برای آزمون این فرضیه پس از مطالعات تاریخی و نظری لازم ابتدا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین «نظریه هم‌گرایی»، همکاری دولت‌های ایران و عراق در خصوص مبارزه با تروریسم و هم‌گرایی آن‌ها بررسی شده است؛ سپس با تحلیل محتوای برنامه‌های امنیتی و مبارزه با تروریسم و در نظر گرفتن عملکرد آن‌ها، تلاش شده با واکاوی واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه، الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای طراحی شود.

طبقه‌بندی JEL: H52, H55, H56

تاریخ دریافت: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۷ تیر ۱۴۰۱
تاریخ انتشار: ۱ فروردین ۱۴۰۲

نوع مقاله: گردآوری و مروری

کلیدواژه‌ها:

عراق، امنیت ملی، هم‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران.

* نویسنده مسئول:

دکتر بشیر اسماعیلی گنهرانی

نشانی: شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

تلفن: +۹۸(۹۹۴)۴۳۲۰۲۱۴

پست الکترونیک: ashena1399@gmail.com

۱. مقدمه

از آنجا که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بر سازمان‌دهی فضای ملی، ایجاد تعادل منطقه‌ای و تقویت نقش منطقه‌ای کشور با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و مزیت‌های نظامی، امنیتی و دفاعی، با هدف ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور تأکید شده است و از طرفی پس از جنگ تحمیلی، مسئولان کشور دریافته‌اند که بالا بردن توان سیاسی، نظامی و اقتصادی - فرهنگی کشور سبب کاهش تنش‌های بین‌المللی با نظام سیاسی کشور ایران می‌شود، سیاست امنیتی و بازدارندگی قوی به یکی از سیاست‌های اصلی و کلان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد و در سال‌های بعد نیز این سیاست قوام و کاربرد بیشتری یافت. کشورهای منطقه غرب آسیا در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۲ م شاهد ادامه این سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در حمایت از کشورها و گروه‌های عضو جبهه محور مقاومت اسلامی و هلال شیعی بوده‌اند (مرادی، لطفی، کرمی و کفاشان طوسی، ۱۳۹۸، ص. ۵۶).

سیاست کلان امنیتی و بازدارندگی در عمل، سبب جلوگیری از انواع خشونت از جمله جنگ با برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است. در راستای سیاست‌های کلی نظام، بررسی روابط ایران و عراق به سبب اثرگذاری بین‌المللی هم از نظر مبارزه با تروریسم به‌عنوان کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه و عضو اوپک و هم از نظر سیاسی به لحاظ تأمین امنیت در این منطقه حائز اهمیت است. شکل‌گیری عراق جدید و سقوط رژیم بعث از حاکمیت این کشور در سال ۲۰۰۳ م نه فقط زمینه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ابعاد داخلی را سبب شده، بلکه تحولات شدید در عرصه‌های ملی و بین‌المللی در قالب‌هایی نظیر ایجاد ائتلاف‌ها و اتحادهای جدید، تغییر مواضع بازیگران و نقش‌یابی‌های متفاوت در ساختارهای سیاسی و امنیتی را به دنبال داشته و معادلات قدرت و سیاست هویت در ژئوپلیتیک خاورمیانه را متأثر کرده است (حاج‌یوسفی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳).

با وجود این رابطه، دو کشور دائماً در وضعیت نامطلوب نبوده و افزایش همکاری بین دو کشور در دوره پس از سرنگونی رژیم بعث، یکی از نمونه‌های بارز آن است که مورد توجه مسئولان و سیاست‌مداران دو کشور بوده است. به‌طور کلی مصادیق آن را می‌توان در این موضوع دریافت که پس از سقوط رژیم صدام حسین و اشغال این کشور به‌دست آمریکا و روی کار آمدن یک حکومت شیعه مردم‌گرای دموکراتیک، تا حدود زیادی موانع همکاری میان دو کشور از میان برداشته شد و به تدریج ایران و عراق هم‌گرایی‌هایی به‌سوی یکدیگر پیدا کردند. با وجود گستره مطالعات گوناگون در پارادایم‌های رقیب در روابط بین‌الملل به نظر می‌رسد بیشتر نظریه‌های روابط بین‌الملل با وجود تعارض‌های نظری، در این نکته که هم‌گرایی دولت‌ها در واکنش به تهدیدها شکل می‌گیرد، اتفاق نظر دارند. براساس این نظریات، هم‌گرایی را در تعریفی وسیع می‌توان روابط مبتنی بر همکاری‌های رسمی

یا غیررسمی بین دو یا مجموعه‌ای از چند دولت دانست که بر مبنای این روابط، دولت‌ها متعهد به اتخاذ مواضع هماهنگ در عرصه مسائل سیاسی و امنیتی می‌شوند (تقوی اصل، ۱۳۹۳، ص. ۹۷). در همین حال، بررسی برخی متون نظری نشان می‌دهد ماهیت و سطح روابط بین دو یا مجموعه‌ای از چند دولت را می‌توان با شاخصه‌ها و موازین مختلف سنجید. این شاخصه‌ها را می‌توان از سطح هماهنگی^۱ تا سطح هم‌گرایی^۲ تعریف کرد. به عبارت بهتر و از این منظر، دو کشور هنگامی که تصمیم می‌گیرند روابط دوجانبه را توسعه دهند، افزایش روابط آنان را می‌توان به ترتیب در سطوحی نظیر هماهنگی، همکاری^۳، ائتلاف^۴، اتحاد^۵ و سرانجام هم‌گرایی مشاهده کرد که در این میان هماهنگی پایین‌ترین سطح و هم‌گرایی بالاترین سطح از گسترش روابط و همسویی میان کشورها محسوب می‌شود (حاج‌یوسفی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳)؛ در حالی که برخی رویکردها در روابط بین‌الملل منشأ اصلی هم‌گرایی یا اتحاد را واکنش به تهدیدهای خارجی تلقی می‌کنند (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۹). برخی دیگر از نظریات در عرصه مطالعات روابط بین‌الملل بر اهمیت منافع کارکردی و شباهت‌های ساختار سیاسی و مبارزه با تروریسم دولت‌ها در فرایند هم‌گرایی و اتحادسازی تأکید می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۹۹). بدین ترتیب می‌توان گفت کشورها در دستیابی به اهداف مهم در نظام بین‌الملل دست‌کم نیازمند ائتلاف با یک یا مجموعه‌ای از کشورها هستند؛ با این حال، هماهنگی و همکاری برای تحقق یافتن اهداف بزرگ هرچند لازم است، کافی نیست. مرور اوضاع سیاسی ایران و عراق، نشان می‌دهد این دو کشور با وجود منابع عظیم انرژی، نیروی انسانی تا حدی توانمند و تشابهات فرهنگی و تمدنی، همچنان در بحث ایجاد هم‌گرایی با مشکلات زیادی مواجه‌اند. بخش مهمی از معادلات امنیتی در جهان در صحنه رقابت بین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی شکل گرفته است. کالای باارزشی که در این دادوستد بیشترین ضرر را متحمل شده، سرمایه‌های انسانی و منابع حیاتی کشورهای تحت سلطه است. منطقه خاورمیانه طی چند سال اخیر و به‌طور مشخص پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با چالش‌ها و ناامنی‌هایی مواجه شده که آثار آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در حافظه عمومی ملت‌ها و به‌ویژه مردم منطقه به‌جا مانده است. زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ منطقه که با اثرپذیری از جمود فکری برخی فرقه‌های سیاسی و مذهبی اسلام‌گرا همراه شده، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که افزون بر تشدید منازعات سیاسی، ستیزه‌های مذهبی را نیز شدت داده است. گروهک تروریستی داعش با ادعای برپایی حکومت‌های اسلامی در عراق با اجرای اقداماتی به دور

-
1. coordination
 2. integration
 3. cooperation
 4. coalition
 5. alliance

از ارزش‌های انسانی به جنایاتی دست زده که روح و جان هر انسان آزاداندیشی را به درد آورده است (فرانکل، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۲). موضوع گفتمان‌های امنیت در جمهوری اسلامی ایران و عراق در پژوهش‌های بسیاری، مانند رنجبر (۱۳۹۱) در مقاله جنگ نرم، حاجی‌یوسفی (۱۳۹۱) در مقاله سیاست خارجی، نظریه‌ها و بازیگران، خلیلی (۱۳۸۷) در مقاله انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم و چشم‌انداز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است. برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز در مطالعاتی واکاوی و بررسی شده است؛ از جمله شیرازی رضانی و تهرانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان مفهوم‌شناسی و تبارشناسی قدرت و جنگ نرم، اصول و روش‌های رویارویی با آن در منابع علمی و شجاعی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. اما تأثیر گفتار گفتمان‌های امنیت بین‌المللی در برنامه‌های امنیت و مبارزه با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران که موضوع این مقاله است، تا کنون به صورت مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. در این مقاله، ضمن تبیین «نظریه هم‌گرایی»، زمینه‌های همکاری دولت‌های ایران و عراق در خصوص مبارزه با تروریسم به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است.

۲. روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی است و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. منابع کتابخانه‌ای برای تحلیل کیفی شامل کتاب‌ها (فارسی و لاتین)، مجله‌ها (فارسی و لاتین) و اسناد و گزارش‌های معتبر وزارت امور خارجه و نهاد ریاست‌جمهوری بود و از برخی منابع اینترنتی نیز استفاده شد. برای ارزیابی کمی از منابع کتابخانه‌ای، روزنامه‌ها و آرشیو برنامه گزارش هفتگی صداوسیما و بولتن‌های وزارت امور خارجه و نهاد ریاست‌جمهوری استفاده شد.

۳. چارچوب نظری

هم‌گرایی و واگرایی دو اصطلاح رایج در ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل است. براساس مبانی روابط بین‌الملل، کشورها تحت تأثیر انگیزه‌ها، نیروها، اهداف و منافع در حالت همکاری، رقابت و تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند. در همین خصوص، دو دیدگاه در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای مطرح شده است: دیدگاه هم‌گرایی که ناظر به روابط مطلوب و زمینه مناسب همکاری بین کشورها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل است؛ دیدگاه واگرایی که بر وجود تعارض‌ها و تضادها میان قدرت‌ها و کشورها دلالت دارد. در هم‌گرایی تلاش می‌شود از عوامل اختلاف‌زا به نفع اهداف جمعی و مشترک کاسته شود و از طریق گسترش همکاری‌های فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، سیاسی و فرهنگی به ایجاد صلح و آرامش در منطقه کمک گردد (برزگر، ۱۳۹۵، ص. ۳۰).

۱-۳. هم‌گرایی در روابط بین‌الملل

از نظر آنتونی شدید^۶ (2017)، هم‌گرایی واژه‌ای است که نوعاً در حوزه علوم انسانی به کار می‌رود (به نقل از قاسمی، ۱۳۹۱، ص. ۳۴). هم‌گرایی در فرهنگ لغت آکسفورد به دو صورت تعریف شده است: ۱. ترکیب دو چیز در یکدیگر به طوری که یک بخش تفکیک‌ناپذیر دیگری شود؛ ۲. عضویت کامل فرد در جامعه (گروه مؤلفان زیر نظر لرنر، ۱۳۹۴). هم‌گرایی عبارت است از: فرایندی که طی آن، ملت‌ها از توانایی و تمایل خویش در تدبیر مستقل سیاست خارجی و سیاست‌های اساسی خود صرف‌نظر می‌کنند و در عوض در پی تصمیم‌گیری مشترک یا تفویض روند تصمیم‌گیری به سازمان‌های ناظر جدیدی هستند (فریدمن، ۱۳۹۴، ص. ۹۸). هم‌گرایی فرایندی است که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم، به‌طور داوطلبانه و آگاهانه، از قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن جهت دستیابی به اهداف مشترکشان چشم می‌پوشند و از یک قدرت مافوق ملی تبعیت می‌کنند (Steven, 2016, pp. 233-256). عده‌ای هم هم‌گرایی را یک وضعیت خاص سیاسی یا فرایندی جهت تفویض وفاداری‌ها به سطحی بالاتر از سطح ملی تعریف می‌کنند (برزگر، ۱۳۸۲، ص. ۸۵). غالباً هم‌گرایی یکی از راه‌حل‌های مؤثر در اختلاف‌های بین‌المللی است که به‌مرور، مناطق و واحدهای درگیر را در بر می‌گیرد و در طولانی‌مدت انترناسیونالیسم را افزایش می‌دهد. با وجود اختلاف‌نظرهایی درباره تغییرهای اصلی هم‌گرایی، بسیاری از پژوهشگران در خصوص موضوع‌هایی همچون نقش نهادها و نخبگان در کم‌وکیف مبادلات سیاسی در خصوص مبارزه با تروریسم و ایجاد نوعی اجتماع فوق‌ملی و حرکت‌های یکپارچه‌کننده و انسجام‌دهنده، نظریه مشترکی در زمینه هم‌گرایی بیان کرده‌اند (Mearsheimer, 2007, pp. 241-256). هم‌گرایی یکی از نظریه‌های به‌نسبت جدید در رشته بین‌الملل به‌شمار می‌آید. نظریه هم‌گرایی محصول تفکر گروه‌هایی بود که تعدد واحدهای سیاسی و حاکمیت ملی دولت‌ها را سبب بروز جنگ‌ها می‌دانستند. پردازش نظریه‌هایی مانند کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، ارتباطات و فدرالیسم^۷ در راستای همین هدف انجام شده است که براساس آن، دولت‌ها در مسائل مشترک مبارزه با تروریسم و مسائل اجتماعی و سیاسی، دست به همکاری می‌زنند. هرچند تمایل به هم‌بستگی در طول تاریخ همواره یکی از راه‌های مؤثر برای مقابله با دشمن مشترک و دستیابی به هدف‌های شخصی بوده، گرایش به هم‌گرایی از نوع جدید آن، از ویژگی‌های بارز سده بیستم به‌ویژه نیم سده اخیر است. مبارزه با تروریسم یکی از وجوه بارز دنیای معاصر است و هیچ کشوری نمی‌تواند خود را از تأثیرهای آن دور نگاه دارد (سیف‌زاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۲). هم‌گرایی یکی از نظریه‌های حوزه مطالعات روابط بین‌الملل است که بعد از جنگ جهانی دوم برای تجزیه و تحلیل سیاست‌های بین‌المللی از آن استفاده می‌شود (عسگرخانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱).

6. Shadid

7. functionalism, neo-functionalism, communications and federalism

۲-۳. هم‌گرایی در نظام بین‌الملل

یکی از ویژگی‌های روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، رشد و توسعه همکاری و هم‌گرایی در چارچوب جهانی شدن بوده است. از این دیدگاه، هم‌گرایی به چند دلیل و از چند جهت بر جهان‌گرایی مقدم است: اول، اشتراک منافع، ارزش‌ها، هنجارها و هماهنگی کشورها در سطح منطقه‌ای بیشتر از سطح جهانی است؛ دوم، دستیابی به هماهنگی، همکاری و هم‌گرایی در سطح منطقه‌ای آسان‌تر از سطح بین‌المللی و جهانی^۸ است؛ سوم، همکاری و هم‌گرایی منافع کشورها را بهتر از جهان‌گرایی و جهانی شدن تأمین می‌کند؛ چهارم، کاهش جنگ و کشمکش و تأمین صلح و ثبات در سطح آسان‌تر صورت می‌گیرد و زمینه صلح و امنیت فرامنطقه‌ای و جهانی را فراهم می‌کند؛ پنجم، حفظ موازنه در درون مناطق جغرافیایی عملی‌تر از سطح بین‌المللی است (کازم پدینان، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۱). هم‌گرایی در نظام بین‌الملل به گسترش چشمگیر همکاری‌های سیاسی و مبارزه با تروریسم میان دولت‌ها و سایر بازیگران در نواحی جغرافیایی خاصی اشاره دارد. همان‌طور که در جامعه ملی هیچ فردی نمی‌تواند به‌تنهایی به قدرت سیاسی دست یابد و به‌ناچار باید در پناه یک حزب، جایگاهی در معادلات سیاسی بیابد، یک کشور هم‌قادر نیست به‌تنهایی در معادلات قدرت جهانی جایگاهی پیدا کند. از این‌رو هم‌گرایی و ضرورت آن، خود را بر همه کشورهای تحمیل می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۱). هم‌گرایی معمولاً روندی دولت‌محور تعریف می‌شود که هدف آن تجدید یک سازمان خاص در راستای اهداف سیاسی، مبارزه با تروریسم و... است (Potter & Sick, 2016, p. 8).

هاوس و اش‌میتز^۹ هم‌گرایی را ملازم با ده پیش‌شرط وجود فرصت‌ها و چالش‌های مشترک، نگاه‌های مشترک هستی‌شناسی و ارزشی، منابع مشترک، پیوستگی جغرافیایی و یا مجازی، پیوندهای ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک، قابلیت‌های ملی و محدودت‌ها و مقدرات بین‌المللی می‌دانند (کازمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۹). کانتوری و اش‌پیکل^{۱۰} از نظریه‌پردازان برجسته آمریکایی در زمینه هم‌گرایی هستند که دیدگاهشان را در سال ۱۹۷۰م مطرح کردند. آنان چهار «متغیر الگویی» را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر، برای تعیین حدود طبیعی کشورها و نیز میزان انسجام در آن‌ها معرفی کردند: ۱. چگونگی و اندازه انسجام: منظور از انسجام اندازه مشابهت و نیز مکمل بودن واحدهای سیاسی در زمینه‌های سیاسی، مبارزه با تروریسم، و وفاداری سیاسی به کشور است؛ ۲. ماهیت ارتباطات: چگونگی درهم‌تنیدگی کشورها از جهت ارتباط شهروندان، رسانه‌های مشترک، تبادل نظر نخبگان، ارتباط جاده‌ای و ریلی و جهان‌گردی؛ ۳. سطح قدرت: در این متغیر، به توانایی بالفعل و بالقوه و نیز اراده کشور یا کشورهای یک

8. international and global level

9. House and Schmitter

10. Contour and Spiegel

سازمان در جهت همسان‌سازی سیاست‌های دیگر کشورها با سیاست‌های سازمان مربوطه توجه می‌شود؛ ۴. ساختار روابط: در اینجا توانایی و پیشینه کشورهای عضو در روابط فی‌مابین، از ستیز تا اتحاد، بررسی می‌شود (کسرایبی، ۱۳۹۲، ص. ۲۳). هم‌گرا دارای مشخصه‌های زیر است: حوزه جغرافیایی مشترک^{۱۱}؛ منافع مشترک^{۱۲}؛ تهدیدهای مشترک^{۱۳}؛ الگوی دوستی و دشمنی^{۱۴}؛ هم‌بستگی‌های نژادی یا فرهنگی^{۱۵} که سبب اثرگذاری بر شکل و ساختاری هم‌گرا خواهد شد (مانند شباهت‌های فرهنگی و پیشینه تاریخی مشترک) (Wight, 2015, p. 165).

انقلاب اسلامی ایران با بهبود نگرش ایدئولوژیک در سیاست خارجی نقطه عطفی در توجه به نوگرایی ایران ایجاد کرده است. توجه به ایدئولوژی شیعی از موارد اصلی ماهیتی انقلاب اسلامی بود که این مهم پیوستن ایران به مسائل جهان عرب و اسلام را ضروری می‌نمود و به‌گونه خاصی بر رویدادهای جهانی متمرکز می‌کرد. بنابراین ایران به یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه تبدیل شد و از حاشیه خارج گردید و همچنین با برقراری صلح بین ایران و عراق، سیاست خارجی ایران به رویکرد توسعه‌ای و مبارزه با تروریسم معطوف گردید (نجفی، لطفی و مجتهدزاده، ۱۳۹۸).

۳-۳. سیر تاریخی روابط ایران و عراق

عراق یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه است که از نظر ژئوپلیتیکی، اقتصادی، امنیتی و نظامی اهمیت زیادی دارد. از دیرباز سرزمین عراق به‌دلیل برخورداری از عوامل ثابت و متغیر حیاتی ژئوپلیتیکی همواره مورد توجه قدرت‌های محلی و بین‌المللی بوده است (مرادی و دیگران، ۱۳۹۸، صص. ۱۸۱-۲۰۲).

نقطه آغاز روابط ایران و عراق به سال ۱۳۰۸ و اعزام هیئت حسن نیت از سوی پادشاه عراق به ایران و تقاضای این هیئت برای برقراری روابط سیاسی با ایران بازمی‌گردد. هرچند در دوره‌های مختلف روابط ایران و عراق فرازونشیب‌های بسیاری داشته، پس از سرنگونی رژیم بعث در عراق روابط دو کشور همواره در جهت هم‌گرایی هرچه بیشتر بوده است (علوی‌پور و نعمت‌پور، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۱-۱۶۷).

در گذشته، رژیم بعث جنگی با خسارات و تلفات مادی و انسانی بسیار را به ملت ایران و همچنین ملت عراق تحمیل کرد که هنوز هم پیامدهای آن پابرجاست. بررسی این اتفاق

-
11. common geographical area
 12. mutual interests
 13. common threats
 14. existence of a pattern of friendship and enmity
 15. racial or cultural affiliations

باعث پی بردن به مخاطرات وجود حکومت دیکتاتور و متناقض منافع می‌گردد. از طرف دیگر حکومت یک دولت دوست با ایران در کشور عراق و به‌وجود آمدن دیدگاه‌ها و منافع مشترک بین دو کشور، فواید بسیاری برای ایران دارد. همچنین عراق می‌تواند جایگاه اول را برای صادرات غیرنفتی ایران داشته باشد (عسگرخانی، ۱۳۹۰، ص. ۳۴)؛ همان‌گونه که در سال‌های اخیر، عراق جایگاه نخست را در صادرات غیرنفتی ایران داشته است. عراق پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، به‌نوعی دیگر منافع ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حضور نیروهای ایالات متحده آمریکا در عراق که منافعی متعارض با منافع جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کند، می‌تواند منافع ملی ایران را با خطر مواجه سازد. شکل‌گیری و توسعه گروه‌های سلفی تروریستی متشکل از افراد باقی‌مانده از حزب بعث و گروه‌های وابسته به القاعده نیز به‌نوعی امنیت مرزهای ایران را تهدید می‌کند. لذا رقابت‌های پنهان و آشکار دولت‌ها و همچنین منافع مشترک ایران و عراق در زمینه حفظ امنیت خلیج فارس، مرزهای مشترک، مبارزه با تروریسم، موجب اهمیت یافتن نقش عراق در سیاست‌های بین‌المللی و زمینه هم‌گرایی جمهوری اسلامی ایران شده است (همان، ص. ۹۵). کشور عراق از چند جهت در سیاست خارجی ایران حائز اهمیت است: ۱. نقش اساسی عراق در مسائل سیاسی - امنیتی ایران از جمله مسائل امنیتی در مواردی همچون امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز، حفظ تمامیت ارضی ایران، تروریسم و تهدیدهای ایالات متحده علیه ایران؛ ۲. پیوندهای تاریخی و مذهبی، از جمله حوزه‌های علمیه و مکان‌های مقدس مذهبی، باعث اهمیت یافتن کشور عراق در مسائل فرهنگی در بحث سیاست خارجی کشور شده که نقش آن در بالا بردن قدرت نرم ایران برای نفوذ در غرب آسیا چشمگیر است؛ ۳. کشور عراق نقش بسیار مهمی در مسائل مبارزه با تروریسم ایران می‌تواند ایفا کند. حکومت دولتی هم‌پیمان با جمهوری اسلامی ایران و برقراری روابط حسنه برپایه هم‌جواری می‌تواند عراق را به برترین گزینه برای صادرات غیرنفتی ایران تبدیل کند. این موضوع به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و مردم عراق از طریق راهکارهای سیاسی نرم و دوستانه جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد (David, 2016, p. 170). تا زمان سرنگونی حکومت صدام ارتباط سیاسی ایران و عراق در حد چند دیدار جهت مبادله اسیران و کشته‌های جنگی، و اعزام زوآر ایرانی از مکان‌های مقدس محدود بود. بدون شک سقوط حکومت صدام، سود منافع ملی ایران را در پی داشت؛ اما از سوی دیگر این به‌معنای اشغال عراق به‌دست آمریکا و حضور نیروهای نظامی آن در همسایگی ایران بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰).

یکی دیگر از عناصر پایدار در بررسی سیاست خارجی ایران در برابر عراق جدید، موضوع رقابت بین دو کشور است. مهم‌ترین عوامل رقابت بین ایران و عراق موضوعاتی همچون معرفی مراکز دینی و شیعی، ورود به مسائل امنیتی خلیج فارس، مسائل امنیتی - سیاسی،

کسب سهم از بازارهای مصرفی و موارد تاریخی و فرهنگی و مبارزه با تروریسم است (Yates, 2019, p. 119). کشور عراق دارای قرابت جغرافیایی، تاریخی، مذهبی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران است و با سرنگونی رژیم بعث، تغییرات جدیدی در قدرت و سیاست کشور عراق ایجاد شد که روابط ایران و عراق را به کلی متحول کرد. در این زمان، نخستین بار با تکیه بر اشتراکات و منافع دو طرف، روابط دو کشور به سمت همکاری و هم‌گرایی پیش رفت. بدین صورت با ورود عناصر شیعی در حکومت کشور عراق، دشمن استراتژیک دیرینه ایران به دوست و همکار تغییر نقش داد. تعادل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با جهان عرب، ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات خاورمیانه از طریق اشغال عراق، رقابت‌های پنهان و آشکار در میدان عراق امروز و منافع مشترک، همه از عواملی است که اهمیت عراق جدید را برای ایران صدچندان کرده است (Gause, 2014, p. 46). در توسعه و تحکیم روابط ایران و عراق چند مؤلفه درخور توجه است: ۱. نقاط اشتراک محکم دینی و فرهنگی بین دو کشور تأثیر بسزایی در بسط روابط آن‌ها خواهد داشت؛ ۲. منافع مشترکی که در میان ملت‌های دو کشور وجود دارد، از جمله امنیت و ثبات و عدم حضور نیروهای بیگانه سلطه‌جو و همچنین تروریسم باعث محکم‌تر شدن روابط ایران و عراق شده است. جمهوری اسلامی ایران با حمایت از حکومت مستقل عراق می‌کوشد منافع خود را در منطقه حاصل نماید؛ ۳. مورد دیگر موقعیت برتر منطقه‌ای ایران و عراق در همکاری سیاسی و اجتماعی بین دو کشور است (عسگرخانی، ۱۳۹۰، ص. ۳۴).

عراق به هر سرنوشتی که مبتلا شود، اهمیت ژئوپلیتیکی انکارناپذیری در اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. از دلایل چنین جایگاهی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. وجود اقلیت کرد در هر دو کشور؛ ۲. استقرار عتبات عالیات شیعیان در عراق؛ ۳. تعلق معنوی شیعیان ایران به آن. عراق تنها کشور عربی است که با ایران مرز زمینی دارد. طولانی‌ترین مرز ایران با کشورهای همسایه از آن عراق است. بعد از ایران، بیشترین تعداد شیعیان در عراق ساکن‌اند. عراق در دوره‌های طولانی، بخشی از جغرافیای سیاسی ایران بوده است و در حال حاضر این کشور بخشی از جغرافیای فرهنگی ایران است. عراق تنها کشور عربی است که قادر است به ایران حمله کند و کشور ما را با چالش مواجه نماید. ایران دارای ذخایر عظیم در منابع مشترک نفت با عراق است و عراق در بین کشورهای عربی، بیشترین اشتراکات را با ایران دارد و می‌تواند مؤلفه‌ای مهم برای نفوذ و گسترش قدرت ژئوپلیتیکی ایران در کشورهای عربی و جهان اسلام باشد. سرانجام عراق به‌عنوان یک کشور بانفوذ در اوپک، سازمان اجلاس اسلامی و اتحادیه عرب^{۱۶} می‌تواند به تحقق بیشتر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و هم‌گرایی با ایران کمک کند (تقوی‌اصل، ۱۳۹۳، ص. ۷۸).

16. OPEC, the Organization of the Islamic Conference and the Arab League

۴. زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران و عراق در مبارزه با تروریسم

تروریسم و مقابله با آن به چالش امنیتی بسیاری از کشورهای جهان به صورت عام و کشورهای غرب آسیا به صورت خاص تبدیل شده است. این پدیده از قدیم تهدید امنیتی برای بشر بوده است؛ اما به تازگی به یکی از مهم‌ترین تهدیدها و چالش‌های امنیتی جهان تبدیل شده است (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۹۵، صص. ۴۸-۵۴).

ایران در رأس کشورهای است که در تقابل با پدیده تروریسم، بیش از آنکه نگاه تاکتیکی به این مسئله کند، آن را راهبرد اساسی دکترین بازدارندگی سیاست خارجی خود تعریف کرده است. براساس منطق جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با پدیده تروریسم، دو نکته اساسی باید مورد توجه قرار گیرد: ۱. برپایه منطق جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با تروریسم، نیروهای ملی و مردمی باید نقش اساسی را در تقابل با این پدیده ایفا نمایند؛ به عبارت دیگر، ایران معتقد است که مثلاً در نمونه عراق، نیازی به حضور قدرت‌های خارجی و به خصوص فرمانطقه‌ای نیست؛ نکته‌ای که بارها از سوی مسئولان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران و به‌طور ویژه، رهبر معظم انقلاب اسلامی، بر آن تأکید شده است؛ ۲. تقابل اساسی با پدیده تروریسم و ریشه‌کن کردن کامل آن در دستور کار دولت ایران قرار داشته و دارد؛ به عبارت دیگر، ایران با پرهیز از نگرش‌های تاکتیکی به پدیده تروریسم، نابودی کامل این پدیده شوم را راهبرد تغییرناپذیر خود قرار داده است (نامی و محمدپور، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰).

در سال‌های اخیر، نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و مبارزه با تروریسم کشورهای منطقه به شدت تحت تأثیر افراط‌گرایی قرار گرفته است. آشفتگی عمومی در سال‌های اخیر زمینه مناسبی برای وهابیت‌گرایی و ایدئولوژی مذهبی افراطی فراهم آورده که این موضوع از اصلی‌ترین عوامل گسترش تروریسم در منطقه است. با اینکه در ابتدا مسائل مختلف داخلی عراق باعث تقویت تروریسم و افراط‌گرایی بوده، اینک بی‌ثباتی و ناامنی ناشی از آن دامن‌گیر این کشور شده است. جمهوری اسلامی ایران رویکرد تعامل با کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در بحث امنیتی در پیش گرفته است. در این رویکرد، همکاری تمام کشورهای منطقه‌ای جهت بازسازی ساختار امنیتی اولویت یافته است (نعمت‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۷۴). مبارزه با تروریسم، سیاست دائمی جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران برای حفظ امنیت خود از هیچ اقدامی در این زمینه فروگذار نخواهد کرد. از ابتدای بحران‌سازی داعش در عراق، سیاست رسمی و اعلامی آمریکا بر این استوار بود که حمایت از عراق و مقابله با داعش منوط به تشکیل دولت وحدت ملی در این کشور است (Larrabee, 2013, p. 190).

با توجه به منافع ملی گسترده ایران در عراق وجود دولت مرکزی با ثبات اهمیت بسیاری دارد. افزون بر این، بی‌ثباتی در عراق منجر به حضور قدرت‌های بیگانه در منطقه به‌بهانه مبارزه با تروریسم و ایجاد امنیت تلقی می‌گردد و تعادل قدرت‌های منطقه را بر خلاف

منافع ایران برهم می‌زند. مشکلات امنیتی عراق در سال‌های اخیر و پس از سرنگونی رژیم بعث برای منطقه بسیار اهمیت یافته است. دولت به اصطلاح اسلامی عراق و شام (داعش) یکی از گروه‌های سلفی متشکل از عناصر مسلح با تابعیت‌های گوناگون است که در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ با تشکیل اجلاس گروه‌های مسلح پایه‌گذاری شد (قاسمی، ۱۳۹۱، ص. ۳۴) و با دولت سوریه و گروه‌های موافق با این دولت می‌جنگد. این گروه را ابوبکر البغدادی ملقب به الکرار رهبری می‌کند. داعش به تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت اسلام دعوت می‌کند. این سازمان تروریستی در عراق و سوریه فعالیت نظامی می‌کند. داعش فعالیت نظامی خود را در عراق گسترش داده؛ به گونه‌ای که این گروه در سال ۱۳۹۱ به زندان الاتاجی عراق حمله و هزاران تن از زندانیان عضو القاعده را آزاد کرد. درگیری ارتش عراق با نیروهای داعش در استان الأنبار و حمله هوپیمای‌های عراقی به مواضع داعش در استان الانبار و در مرز عراق و سوریه سبب شعله‌ورتر شدن آتش جنگ بین ارتش عراق و نیروهای افراطی عضو دولت اسلامی عراق و شام شده است (Yates, 2019, p. 30).

بافت اجتماعی موزاییکی جغرافیای عراق به گونه‌ای است که آن را از کشورهای گوناگون دیگر متأثر می‌سازد. از سوی دیگر بازیگران مختلف در قبال تحولات عراق، منافع ملی و امنیتی بسیاری دارند. شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، ذهنیت تاریخی مناسبی از جهان عرب ندارند و بیشتر با ایران احساس پیوند و دوستی می‌کنند. کردهای عراق نیز به عنوان اقلیت با کردهای ایران، ترکیه و سوریه در ارتباط‌اند و با آن‌ها هم‌آوایند. این بافت اجتماعی، عراق را به عرصه‌ای برای حضور، پیوند و نقش‌آفرینی بازیگران مختلف تبدیل کرده است. در این میان، ایران و عربستان سعودی اصلی‌ترین بازیگران محسوب می‌شوند که منفعی عمده در تحولات عراق دارند و همچنین از توانمندی زیادی برای اثرگذاری در این کشور برخوردارند. در گذشته و در دوره رژیم بعث، به علت نوع نظام سیاسی عراق و حاکمیت اقتدارگرایانه، امکان اثرگذاری فزاینده بیرونی بر گروه‌های عراقی و پیوند با آن‌ها بسیار اندک بود؛ اما در دوره اخیر این امکان افزایش یافته است (تقوی‌اصل، ۱۳۹۳، ص. ۲۲). از این منظر، هرکدام از دو کشور ایران و عربستان سعودی برای اثرگذاری در تحولات عراق و پیامدهای آن فرصت‌های زیادی دارند که این عامل گاهی باعث دست نیافتن به خواسته‌ها و اهداف سیاسی این دو کشور در عراق می‌شود و در چگونگی اعمال نفوذ یکدیگر تأثیر می‌گذارد. در طول سال‌های پس از استقلال عراق، حضور هویت‌های کاملاً مستقل کرد، سنی و شیعه در مناطق شمالی، میانی و جنوبی این کشور و چگونگی حفظ تعادل میان آن‌ها همواره موجب تنش در سطوح داخلی و خارجی بوده است. از دهه ۱۹۹۰م، سیاست‌های مدیریت جهانی در مقابله با رژیم بعث، عملاً این کشور را به سه ایالت مختلف تقسیم کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۳، ص. ۱۹۸).

جمهوری اسلامی ایران برخلاف دیگر قدرت‌ها اقدام عملی علیه تروریسم و داعش را

به‌جای ائتلاف‌های نمایشی، البته با کمک دولت و مردم عراق، در دستورکار خود قرار داد؛ تا جایی که حتی مخالفان جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز به اقدام کارساز ایران و تأثیر آن در جلوگیری از سقوط عراق و اشغال آن توسط تروریست‌ها اعتراف و از آن قدردانی کردند. تأثیر مفید این اقدامات به‌حدی بود که تلاش‌های آمریکا برای مبارزه با داعش زیر سایه آن قرار گرفت و در رسانه‌های سراسر جهان از اقدامات سازنده ایران صحبت شد. اقدامات اثربخش و تعیین‌کننده ایران در عراق باعث اثبات کردن اقتدار سیاسی - نظامی ایران به تمام کشورها از جمله ترکیه و عربستان، به‌عنوان اصلی‌ترین رقبای ایران در جنوب غرب آسیا، گردید (نجفی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۱).

حضور داعش در عراق دستاورد بسیار مهمی برای ایران داشت و آن، اقرار جهانیان به توانمندی فرماندهان نظامی ایران بود؛ همان‌گونه که نشریه نیوزویک درخصوص نقش ایران در حل بحران عراق نوشت: «جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ارسال سلاح به عراق، مغز متفکر جنگی خود، سردار [شهید] قاسم سلیمانی، را به عراق فرستاد». هرچند سردار شهید سلیمانی اغلب به‌صورت مخفیانه در عراق حضور می‌یافت، جمهوری اسلامی ایران با دادن مجوز انتشار عکس‌های حضور وی در جنگ آمرلی^{۱۷} این پیام را به غرب مخابره کرد که: ایران در میدان جنگ عراق حضور فعال دارد (Barzegar, 2003, p. 97). همچنین این نشریه جلد خود را به عکسی از سردار شهید سلیمانی اختصاص داد که روی آن نوشته شده بود: «سردار [شهید] سلیمانی، کسی که در گذشته با آمریکا می‌جنگید و اکنون در حال از بین بردن داعش است». هم‌زمان با آن، نقش مشاوران و مستشاران ایرانی در از بین بردن داعش مورد توجه بسیاری از تحلیلگران سیاسی جهان قرار گرفت. همکاری‌های ایران با دولت و ملت عراق به شکست نیروهای تروریستی در اغلب نقاط این کشور انجامید و امید می‌رود که دولت عراق در آینده‌ای نزدیک موفق شود باقی‌مانده مناطق تحت تصرف نیروهای تروریستی را نیز آزاد کند. در دوران پس از شکست داعش نیز، ایران باید به حذف بی‌ثباتی و ناامنی در عراق کمک کند؛ لذا ادامه همکاری‌های ایران و عراق در بُعد دفاعی و امنیتی یکی از اولویت‌ها در زمینه هم‌گرایی است که فقط بخش مستشاری را شامل نمی‌شود؛ بلکه از بحث تأمین تجهیزات تا کمک به بازسازی در بخش صنایع دفاعی کشور عراق را نیز در بر می‌گیرد (نجفی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۲).

۱-۴. بُعد سیاسی

یکی از مسائل مهم درخصوص مناسبات سیاسی دو کشور پیوندهایی است که بین ایران و عراق وجود دارد. ارتباطات ایران با گروه‌های عراقی، سیاست‌مردان و جناح‌های مختلف

۱۷. روستای آمرلی از توابع شهرستان الانبار عراق در شمال غرب این کشور است که در آن، یکی از جنگ‌های مهم دولت عراق با داعش با حضور سردار شهید قاسم سلیمانی صورت گرفت.

در مسیر تکمیل روند سیاسی این کشور بوده است. روابط دوجانبه ایران و عراق در دولت جدید نشان‌دهنده جایگاه و موقعیت ایران در منطقه و روابط با عراق است. موضع رسمی ایران همیشه حمایت از حفظ ابهت دولت و حفظ حاکمیت آن بر خاک عراق بوده است و تهران از هیچ طرف غیردولتی در عراق حمایت نمی‌کند. حمایت همه‌جانبه از دولت عراق و فرایندهای قانونی و دموکراتیک مطابق خواست و اراده مردم این کشور، انتخابات پارلمانی عراق، ایجاد زمینه گسترش فراگیر روابط دو کشور، ایجاد زمینه همکاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای دوسویه و همچنین تبیین سیاست ایران در قبال این کشور مبنی بر عراقی قوی، آزاد، آباد، توسعه‌یافته، متحد و مستقل مهم‌ترین راهبردهای سیاست خارجی ایران در تعامل سیاسی با عراق است. به‌طور کلی به‌لحاظ سیاسی ایران بارها تأکید کرده است که از یک عراق باثبات، متحد و قوی حمایت می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۸).

۲-۴. بُعد فرهنگی - اجتماعی

در میان کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، عراق دارای بیشترین قرابت فرهنگی و مذهبی با ایران است. این دو کشور در مسئله فرهنگی نقاط مشترک بسیاری دارند. ملت ایران و عراق رابطه کهن تاریخی دارند و همین مسئله در توسعه روابط دو کشور تأثیر مثبتی داشته است. به‌لحاظ مذهبی، کانون شیعه از عراق شکل گرفت و از آنجا به ایران انتقال یافت. بنابراین عراق از مهم‌ترین همسایه‌های ایران و ایران جزو مؤثرترین همسایه‌های عراق است. در طول تاریخ، تأثیر متقابل زبان‌های عربی و فارسی، موجب خلق آثار ادبی برجسته و غنای ادبیات عربی و فارسی شده است. عراق وارث تمدن باستانی بین‌النهرین است که مادر تمدن‌ها نام گرفته و ایران از مراکز دیرینه تمدن جهانی است که از دیرباز با تمدن بین‌النهرین تعامل و تبادل داشته است. به‌طور کلی از یک سو سوابق مشترک تاریخی و فرهنگی و از سوی دیگر اشتراکات مذهبی ایران و عراق را به هم پیوند زده است. این پیوندهای عمیق می‌تواند پشتوانه محکمی برای تحکیم مناسبات سیاسی دو کشور باشد. عتبات عالیات، وجود اکثریت شیعه و اقوام کرد از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در تقویت مناسبات فرهنگی دو کشور است. در حوزه گردشگری نیز با توجه به ثبت جهانی برخی آثار طبیعی و تاریخی عراق در میراث جهانی، دو کشور تمایل خود را به فعال کردن این صنعت ابراز کرده‌اند. گردشگری میان دو کشور تا کنون بیشتر به حوزه گردشگری دینی متمرکز بوده؛ اما انتظار می‌رود در آیندای نزدیک گردشگری سیاحتی - زیارتی در کنار گردشگری سلامت نیز گسترش یابد؛ به‌ویژه اینکه رفت‌وآمد پنج تا شش میلیون زائر در سال بین دو کشور به‌خودی‌خود ظرفیت بزرگ اقتصادی به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر در حوزه اجتماعی نیز پیش‌بینی می‌شود پیوند دو ملت که از زیارت‌های اربعین و دیگر مناسبت‌های دینی کلید خورده، به بخش وسیع‌تری گسترش خواهد یافت تا روح برادری و دوستی بیشتر بر روابط دوجانبه حاکم شود (Brandt & Jack, 2017, p. 77).

۳-۴. بُعد نظامی - امنیتی

امنیت و ثبات ایران و عراق بیش از هر کشور دیگری به یکدیگر پیوند خورده است. نزدیکی جغرافیایی دو کشور و تبارشناسی روابط امنیتی گذشته، تأثیر فراوان عراق بر امنیت ملی ایران را نشان می‌دهد. افزون بر این وجود کردها، ژئوپلیتیک عراق، مرزهای آبی و خاکی، جمعیت ۶۰ درصدی تشیع در عراق، ناامن بودن فضای داخلی این کشور بعد از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳، قدرت‌یابی نیروهای سیاسی شیعی، نیازمندی و ظرفیت اقتصادی - عمرانی این کشور، حضور قدرت‌های بین‌المللی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در این سرزمین و نمونه‌های فراوان دیگر از عواملی است که امنیت ایران را به امنیت عراق پیوند زده است. از سوی دیگر، یکی از بسترهای اتحاد راهبردی میان ایران و عراق، شکل‌گیری گروه‌های تکفیری - سلفی در عراق است. پس از سقوط صدام، به‌تدریج گروه‌های وهابی، تکفیری و سلفی کشور عراق را مأمونی مناسب برای پیشبرد اهداف و مطامع خود دیدند. این مسئله تهدیدی مشترک برای دو کشور ایران و عراق به‌شمار می‌رفت و زمینه را برای تقویت مناسبات هرچه بیشتر امنیتی بین دو کشور فراهم کرد. بنابراین هرچند حوزه‌های امنیتی و نظامی همچون جنگ با داعش، خون دو ملت را به هم گره زده و ثمره آن در اتقاق چهارجانبه ایران، عراق، روسیه و سوریه منجر به مهار تروریسم در منطقه شده، همچنان این حوزه ظرفیت‌های وسیعی برای همکاری‌های دوجانبه میان دو کشور در خود پنهان کرده است (نجفی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۲).

۴-۴. بُعد اقتصادی

ظرفیت‌های ممتاز همکاری اقتصادی و تجاری ایران و عراق از دیگر مؤلفه‌های توسعه روابط دو کشور است. وجود طولانی‌ترین مرزهای مشترک بین دو کشور در مقایسه با همسایگان دیگر، وجود شش گذرگاه مرزی و دوازده بازارچه مرزی، وجود مکان‌های مقدس در داخل دو کشور و در نتیجه توریستی و سیاحتی بودن آن‌ها، وجود ظرفیت‌های بی‌شمار برای همکاری دو کشور در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، تجاری و اقتصادی، تجربه خوب ایران در زمینه بازسازی پس از جنگ و آمادگی انتقال این تجربیات به عراق و در نهایت تمرکز اراده رهبران دو کشور بر تحکیم و توسعه مناسبات، ظرفیت‌های زیادی را برای تقویت و بسط مناسبات اقتصادی دو کشور ایجاد کرده است. در عرصه اقتصادی، با توجه به مرز طولانی ایران و عراق و فعالیت بازارها و گذرگاه‌های مرزی بین دو کشور، شرایط با هدف توسعه مناسبات تهران و بغداد مهیا بوده است؛ لذا زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری و پوشش‌های بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری تضمینی در مناسبات ایران و عراق می‌تواند در آینده اثرگذار و پیش‌برنده باشد. بنابراین ایران و عراق ظرفیت‌های فراوانی برای همکاری در زمینه‌هایی مانند انتقال فناوری، صادرات مواد غذایی و مشارکت در پروژه‌های مشترک نفت و گاز و انرژی دارند.

درهم‌تنیدگی اقتصادی باعث می‌شود تا عراق و ایران هنگام تصمیم‌گیری برای حل اختلافات سیاسی، راه‌حل سخت و امنیتی را در رده آخر گزینه‌های خود قرار دهند و اولویت را در حفظ مناسبات بازرگانی بدانند (تقوی‌اصل، ۱۳۹۳، ص. ۶۴).

۵-۴. چشم‌انداز روابط دو کشور

عزم و اراده مقامات دو کشور نویدبخش توسعه روابط ایران و عراق در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی است؛ هرچند ترکیه و عربستان مهم‌ترین رقیب‌های ایران در عراق به‌شمار می‌آیند. عراق در شرایط کنونی می‌خواهد در عرصه روابط خارجی با کشورهای مختلف گام‌های جدیدی بردارد و این یکی از اولویت‌های دولت الکاظمی است. در عرصه منطقه‌ای، بسیاری بر تلاش‌های عربستان برای حضور و نفوذ بیشتر در بازار عراق تأکید می‌کنند. همچنین نقش و جایگاه ترکیه در حوزه اقتصادی در عراق و تلاش‌های این کشور با هدف تثبیت این وضعیت و عمیق شدن روابط درخور توجه است. بنابراین هرچند دشمنان و کینه‌توزان همواره می‌کوشند با شایعه‌پراکنی و دروغ‌بافی، به چشم بدبینی و تهدید به مناسبات ایران و عراق بنگرند، پیش‌بینی می‌شود توسعه روابط و مناسبات دوجانبه این دو کشور دوست، همسایه و مسلمان، به‌شکل اثرگذاری در ثبات و امنیت منطقه‌ای انعکاس یابد و به الگویی برای همکاری‌ها و مناسبات در منطقه تبدیل شود (Yates, 2019, p. 73).

بنابراین با توجه به آنچه در این بخش بیان شد و خطر تروریسم بین‌المللی برای هر دو کشور، شرایط ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و عراق و دشمنان بالفعل و بالقوه این دو کشور و نیز پشت‌سر گذاشتن جنگ فرسایشی هشت‌ساله، لازم است توجهی ویژه به افزایش توان دفاعی و امنیتی کشور شود و هم‌گرایی منطقه‌ای بین کشورهای همسایه و به‌خصوص عراق بیشتر شود. از سوی دیگر غیرممکن و خوش‌بینانه است که کشورهای قدرتمند استکباری که در سایه قدرت نظامی خود «به‌معنای عام آن» رفاه و آسایش ملت خود را به قیمت تضعیف دیگران فراهم کرده و می‌کنند، خود را خلع‌سلاح کنند. از این‌رو مجموعه عوامل فوق سبب شده است که بیشتر صاحب‌نظران به این باور و حقیقت برسند که تمام دلایلی که باعث شده کشورهای دیگر برای تجهیز خود اقدام کنند، در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز با شدت و واقعیت بیشتری صدق کند و جمهوری اسلامی ایران در صدد افزایش هم‌گرایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای سیاست‌های امنیتی و دفاعی خود باشد.

۵. یافته‌های تحقیق

در شرایطی که قدرت‌های بزرگ استکباری از ابزارهای محوری برای اثرگذاری بر کشورهای پیرامون برخوردارند، طبیعی است که تأمین امنیت و آرامش منطقه و ثبات آن، بدون

تولید قدرت نظامی و استراتژیک برای کشورها امکان‌پذیر نخواهد بود. سیاست‌های کلی امنیتی و دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ رویکردی منطقه‌ای (و در صورت امکان بین‌المللی) در دفاع از ارزش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در تعامل با سیاست‌های خارجی، نقشی برجسته ایفا کند. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران حفظ استقلال، آزادی و تمامیت ارضی خود را با هدف تأمین صلح و امنیت برای خود، منطقه و جهان مبنای اقدامات و طراحی‌های دفاعی و امنیتی خود قرار می‌دهد. این راهبرد برگرفته از متن قانون اساسی و همچنین اعتقادات دینی و باورهای فرهنگی و عقلی و هنجارهای اجتماعی و ارزشی جامعه ایرانی است. لذا در فرهنگ اسلامی و ایرانی، همان اندازه که جنگ‌افروزی نکوهیده است، دفاع همه‌جانبه از کشور و ملت، با اقتدار و بازدارندگی، واجب است. از طرفی کشورهای در حال توسعه نیاز همه‌جانبه‌ای به قدرت‌سازی از طریق تجمیع منابع انسانی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود دارند. هنجارهای سیاست خارجی بخشی از واقعیت‌های قدرت نرم در هر کشوری محسوب می‌شود و تحقق یافتن آن، نیازمند انسجام گفتمانی بین لایه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است. گسست و ناهماهنگی در بین نیروهای داخلی و متعاقب آن کاهش بازدارندگی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بیشتر معطوف به سیاست داخلی می‌کند؛ حال آنکه اهداف والاتری برای سیاست خارجی کشور طراحی شده است که با افزایش بازدارندگی در عرصه سیاست خارجی، امنیت و منافع ملی به‌همراه اهداف والای نظام جمهوری اسلامی ایران تحقق خواهد پذیرفت.

با اینکه تعاریف بسیاری برای امنیت بیان شده است، صاحب‌نظران این حوزه از ذکر تعریفی مشخص و مورد اجماع برای آن بازمانده‌اند و اغلب با تبیین چشم‌اندازهای مختلف به تجزیه و تحلیل مفهوم آن و آزمون فرضیات و ساختن نظریات درباره آن پرداخته‌اند. بر این اساس، با مرور مکاتب و نظریات امنیتی مشخص می‌شود که چه تعاریفی برای امنیت بیان شده است. واقع‌گرایان مفهوم امنیت را در سطح کلان و با در نظر گرفتن دولت‌ها و مناسبات قدرت میان آن‌ها به‌عنوان مرجع امنیت بررسی می‌کنند. آن‌ها نظم و امنیت را بر آزادی و عدالت و همچنین استبداد را بر آشوب و بی‌نظمی مقدم می‌دارند. در مقابل، الگوی لیبرال از امنیت را می‌توان نمونه‌ای خوش‌بینانه مبتنی بر راهکارهای سیاسی با بهره‌گیری از ابزارهای حقوق بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی، یکپارچگی سیاسی و دموکراتیزاسیون برای دستیابی به امنیت و صلح دانست که با طرح نظریه عدم تنازع میان حکومت‌های دموکراتیک بر گسترش این نوع حکومت‌ها از طریق افزایش مشروعیت سیاسی داخلی آن‌ها تأکید می‌کند. مکتب انتقادی در مطالعات امنیتی نیز در پی تشخیص ساختارهای سلطه و تلاش برای ویرانی آن‌ها و همچنین مشخص کردن مطرودشدگان از اجتماع از طریق جایگزینی فرد به‌مثابه مرجع اصلی امنیت و ایجاد توان و رهایی بخشیدن به آن‌ها برای امنیت بیشتر از طریق افزایش رضایت و مقابله با حس ناامیدی و کاهش فاصله میان انتظارات فرد و

آنچه دارد، است. در مکتب کپنهاگ نیز، امنیت در گرو بقاست و زمانی که چیزی به تهدید وجودی تبدیل شود، به موضوعی امنیتی بدل می‌گردد. از دیدگاه طرفداران این مکتب، امنیت امری موسع و چندبعدی است و تعریف تهدید براساس ساختار اجتماعی و بر مبنای مفهوم امنیتی‌سازی صورت می‌گیرد. بر این اساس، سیاست فراتر از قواعد بازی در نظر گرفته می‌شود و با برسازگی گفتمانی تهدید در قالب کنش گفتاری شرایط تبدیل زمینه‌های گوناگون به نگرانی‌های امنیتی توسط بازیگرانی که به آن مسائل اعتبار امنیتی (معمولاً ملی و بین‌المللی) می‌دهند، فراهم می‌شود. بدین ترتیب، امنیتی‌سازی محصول درک بین‌دهنی اعضای جامعه اعم از داخلی و بین‌المللی خواهد بود. با وجود این، در این رویکرد افراد نمی‌توانند مرجع امنیت باشند و دولت محور امنیت قرار می‌گیرد.

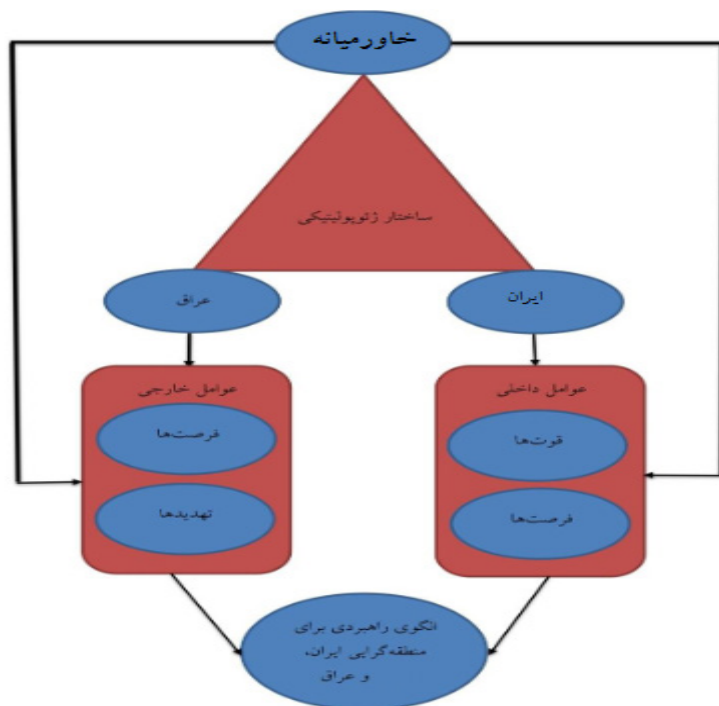
مفهوم امنیت انسانی در سال ۱۹۹۴م با انتشار گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد و با هدف محافظت از هسته حیاتی همه افراد بشر در مقابل تهدیدهای شایع مورد توجه قرار گرفت. این گزارش امنیت انسانی را وضعیتی تعریف می‌کند که در آن، مردم از قیدوبندها و فشارهای روحی و روانی که توسعه انسانی را محاصره کرده و در بند کشیده است، رها شوند؛ به نحوی که با شکوفایی و کمال بلندمدت آدمی سازگاری داشته باشد. مقصود از امنیت انسانی اتصال میان آزادی از احتیاج و آزادی از ترس است؛ آزادی‌هایی که در قلب اهداف سازمان ملل قرار دارند. مفهوم امنیت انسانی درصدد توسعه سیاست‌هایی است که نتیجه آن نه فقط توانمند کردن افراد برای بهره‌مندی از رشد اقتصادی، بلکه همچنین حفاظت از آن‌ها در زمان ناامنی و بحران است. جعل این مفهوم تلاشی بود برای جلب توجهات منابع انسانی و مالی به سوی تسکین و درمان فقر و سوق دادن آن‌ها از شاخص‌های اقتصادی ساده مانند تولید ناخالص داخلی و از تمام مصارف نظامی و امنیت سنتی به ابعاد دیگر توسعه.

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت ایران و عراق ظرفیت‌های فراوانی برای همکاری در زمینه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ، جغرافیا، دین و ارزش‌های مشترک، انتقال فناوری، صادرات و مشارکت در پروژه‌های مشترک نفت و گاز و انرژی دارند و این درهم‌تنیدگی باعث می‌شود جمهوری اسلامی ایران و عراق هنگام تصمیم‌گیری برای حل اختلافات سیاسی، موضوع امنیت و مبارزه با تروریسم را در رده‌های اول اولویت برنامه‌های خود قرار دهند و برای رسیدن به این هدف بسیاری از تفاهم‌نامه‌ها و هم‌گرایی‌های منطقه‌ای را پیگیری کنند.

۱-۵. طراحی الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای

خاورمیانه منطقه‌ای ژئوپلیتیکی است که می‌توان وجوه اشتراک مثبت و منفی بسیاری را در بین کشورهای آن مشاهده کرد که موجب بروز فرصت‌ها و تهدیدهایی در این منطقه شده است. چالش‌های داخلی منطقه و تهدیدهای بیرونی سبب شده منطقه خاورمیانه به وضعیتی

شککننده برسد. اما قوت های داخلی و فرصت های بیرونی نیز وجود دارد که زمینه های هم گرایی بین این کشورها و توسعه و امنیت در منطقه را فراهم می آورد. کشورهای ایران و عراق در مسیر هم گرایی و روابط متقابل دارای ظرفیت ها و چالش هایی اند که برخی از آن ها در محیط داخلی و روابط بین این کشورها و بعضی نیز در محیط بیرونی منطقه و جهان ریشه دارد. برای رسیدن به هم گرایی باید الگویی براساس این عوامل داخلی و خارجی طراحی گردد که ضمن کاهش چالش ها به توسعه ظرفیت ها بپردازد. در این مقاله سعی شده با بررسی واقعیت های ژئوپلیتیکی منطقه یک الگوی هم گرایی منطقه ای طراحی گردد. در این راستا، سؤال اصلی مقاله این است که براساس واقعیت های ژئوپلیتیکی منطقه چه نوع الگویی می تواند ضمن تنش زدایی، به نوعی هم گرایی منطقه ای پایدار بین دو کشور منجر شود. در این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی و برای ارائه مدل راهبردی از روش تحلیل راهبردی سوات^{۱۸} بهره برده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی الگوی هم گرایی منطقه ای

جدول ۱. عوامل بیرونی و درونی هم‌گرایی منطقه‌ای ایران و عراق

عوامل بیرونی		عوامل درونی	
فهرست تهدیدها (T)	فهرست فرصت‌ها (O)	فهرست ضعف‌ها (W)	فهرست قوت‌ها (S)
T1: استقرار در منطقه شکننده خاورمیانه	O1: موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب در جهان	W1: اختلافات قومی و مذهبی	S1: نیاز متقابل ژئوپلیتیکی
T2: حضور نیروهای خارجی	O2: توانمندی‌های نظامی و مستشاری	W2: اختلافات در ایدئولوژی حکومت	S2: هم‌جواری
T3: طرح خاورمیانه جدید	O3: سازمان همکاری‌های اسلامی	W3: تروریسم	S3: اشتراکات فرهنگی و تاریخی
T4: رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عراق	O4: محور مقاومت و جریان‌های شیعی	W4: مسئله قومیت‌ها	S4: محیط زیست

(منبع: یافته‌های تحقیق)



الف. عوامل درونی

در این بخش، مجموعه‌ای از عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف) دو کشور ایران و عراق، یعنی زمینه‌هایی که جهت دستیابی به نوعی هم‌گرایی نقش بازدارنده دارند، شناسایی شد و سپس به هر کدام وزن و رتبه در وضعیت موجود داده شد تا تأثیر آن در طراحی الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای مشخص شود (جدول ۲).

جدول ۲. رتبه و وزن نرمال عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف) دو کشور

فهرست قوت‌ها (S)	میانگین رتبه وضع موجود (+-۴)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
S1: نیاز متقابل ژئوپلیتیکی	۴	۰/۳	۰/۸
S2: هم‌جواری	۳/۶	۰/۱۸	۰/۱۵
S3: اشتراکات فرهنگی و تاریخی	۳/۸	۰/۱۶	۰/۱۴
S4: محیط زیست	۳/۲	۰/۱۷	۰/۱۶
مجموع (IFE)			۱/۵۴
فهرست ضعف‌ها (W)			
W1: اختلافات قومی و مذهبی	۳/۱	۰/۰۶	۰/۱۸
W2: اختلافات در ایدئولوژی حکومت	۳/۶	۰/۰۵	۰/۱۹
W3: تروریسم	۴	۰/۱۷	۰/۴۲
W4: مسئله قومیت‌ها	۳/۶	۰/۱۴	۰/۳۱
مجموع (IFE)			۱/۶۲

(منبع: یافته‌های تحقیق)



عوامل بیرونی

در این بخش مجموعه‌ای از عوامل بیرونی (تهدیدها و فرصت‌ها) دو کشور ایران و عراق یعنی زمینه‌هایی که جهت دستیابی به نوعی هم‌گرایی نقش اثرگذار دارند، شناسایی شد و سپس به هر کدام وزن و رتبه در وضعیت موجود داده شد تا تأثیر آن در طراحی الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای مشخص شود (جدول ۳).

جدول ۳. رتبه و وزن نرمال عوامل بیرونی (تهدیدها و فرصت‌ها) دو کشور

فهرست تهدیدها (T)	میانگین رتبه وضع موجود (۴-۰)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
T1: استقرار در منطقه شکننده خاورمیانه	۳/۸	۰/۱۹	۰/۱۲
T2: حضور نیروهای خارجی	۳/۹	۰/۲۲	۰/۱۶
T3: طرح خاورمیانه جدید	۳/۲	۰/۱۴	۰/۱۹
T4: رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عراق	۲/۱	۰/۳	۰/۸
مجموع (IFE)			۱/۹۴
فهرست فرصت‌ها (O)			
O1: موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب در جهان	۳/۹	۰/۱۴	۰/۲۸
O2: توانمندی‌های نظامی و مستشاری	۴	۰/۱۶	۰/۲۵
O3: سازمان همکاری‌های اسلامی	۴	۰/۲۱	۰/۴۸
O4: محور مقاومت و جریان‌های شیعی	۳/۸	۰/۱۹	۰/۳۹
مجموع (IFE)			۱/۸۶

جدول ۴. وضعیت عوامل داخلی و خارجی اثرگذار در هم‌گرایی منطقه‌ای

عوامل داخلی		عوامل خارجی	
نقاط ضعف	نقاط قوت	تهدیدها	فرصت‌ها
۱/۶۲	۱/۵۴	۱/۹۴	۱/۸۶

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

جدول ۵. جمع عوامل اثرگذار داخلی و خارجی در الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای

جمع عوامل خارجی	جمع عوامل داخلی
۳/۱۶	۳/۸

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

بنابراین با توجه به نتایج تحلیل داده‌ها و سیاست‌های کلی نظام در توسعه امنیت و مبارزه با تروریسم می‌توان گفت از آنجا که $S + W < \Sigma T + O$ است، بنابراین الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای به سمت گسترش استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها در الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای بین دو کشور است. از این رو جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهای است که نقش منطقه‌ای خود در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی را براساس الهام‌بخشی کمک به همسایگان جهت توسعه و تأمین امنیت تعریف کرده است. بنابراین طبیعی است که در توجه به سیاست‌های کلی نظام، بحث دیپلماسی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران باید متکی بر قدرت بازدارندگی همه‌جانبه، عناصر قدرت نرم و در تعامل سازنده با کشورهای منطقه و حمایت از جبهه مقاومت اسلامی در منطقه و جهان باشد؛ حال آنکه تحولات گوناگون در سطح نظام بین‌الملل و رویدادهای گسترده در محیط منطقه‌ای و همچنین تهدیدهای نامتقارن، نوعی استراتژی بازدارندگی را مطرح می‌کند که ضمن دارا بودن موازنه عقلی و دینی، ترکیبی از ایدئولوژی، پراگماتیسم و عقلانیت است و سه اصل عزت، حکمت و مصلحت را سرلوحه خود قرار می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران در تفکر بازدارندگی‌اش، بیشتر بر موقعیت استراتژیک خود در سیستم منطقه‌ای و بین‌المللی و بهره‌گیری از آن در خنثی‌سازی حملات احتمالی از طریق بالا بردن هزینه دشمن و همچنین تحمیل فشارهای سیستمی بر آن تأکید می‌کند.

۶. نتیجه

با توجه به نقش مهم و اثرگذار جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های بین‌المللی و رابطه

نزدیک با کشور عراق و تأثیرات این دو کشور بر معادلات سیاسی و امنیتی خاورمیانه، در این مقاله زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران و عراق در مبارزه با تروریسم در راستای تحقق سیاست‌های کلی امنیتی نظام بررسی شد. ابتدا به تبیین دو مفهوم امنیت و مبارزه با تروریسم از دیدگاه‌های مختلف پرداخته شد و سپس نسبت میان امنیت و مبارزه با تروریسم بررسی گردید و این نتیجه حاصل شد که امنیت نقش مهمی در توسعه کشورها دارد و مبارزه مشترک آن‌ها با تروریسم باعث ایجاد امنیت و توسعه در آن کشورها خواهد شد. در سال‌های پس از انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، مشکلات امنیتی و سیاسی عراق بیشترین هزینه‌ها را به این نظام متحمل کرد. سقوط حکومت بعث در عراق باعث ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی این کشور گردید و پس از آن نخستین بار تأکید بر منافع مشترک دو ملت به رویکرد سیاست خارجی دو کشور تبدیل شد. عراق جدید به دلایل متفاوتی از جمله ورود شیعیان در نظام سیاسی، تغییر موضع عراق از دشمن استراتژیک به دوست و همکار و پس از آن ایجاد توازن در سیاست خارجی ایران نسبت به کشورهای عربی دارای موقعیت استراتژیک سیاسی است. لازمه به‌دست آوردن چنین دستاوردهایی تعریف دیدگاه جدیدی از عراق در سیاست خارجی ایران است. بنابراین می‌توان ماهیت همکاری متقابل استراتژیک در مسائل سیاسی - امنیتی، مبارزه با تروریسم برپایه اعتماد و دوستی را جایگزین تعریف تهدیدگر متقابل گذشته کرد. وابستگی دولت‌ها از سویی موجب عدم تحقق توسعه سیاسی لازم به‌ویژه در عراق و از سوی دیگر موجب نامکمل بودن همکاری‌های ایران با دولت و ملت عراق در مبارزه با تروریسم شده است؛ بر این اساس دو کشور ایران و عراق در صورتی که بتوانند در پرتو ساختارهای ذهنی حاصل از اشتراکات مذهبی، نظیر اهمیت عتبات عالیات برای طرفین، به درک نزدیکی از شرایط و همکاری ایران با دولت و ملت عراق در مبارزه با تروریسم دست یابند و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم را در داخل خاک یکدیگر افزایش دهند، خواهند توانست تا حدودی به سمت‌وسوی سازش مبتنی بر هم‌گرایی متقابل حرکت کنند و الگوی سازنده‌ای از انسجام همکاری‌های ایران با دولت و ملت عراق در مبارزه با تروریسم را به‌نمایش گذارند. از این لحاظ کشورهایی که بیشترین همگرایی را در میان مناطق مختلف ژئوپلیتیک با جمهوری اسلامی ایران دارند، کشور عراق است که دارای قرابت نزدیک جغرافیایی، تاریخی، مذهبی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران است. تعادل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با جهان عرب، ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات خاورمیانه از طریق اشغال عراق، رقابت‌های پنهان و آشکار در میدان عراق امروز و منافع مشترک، عواملی است که اهمیت عراق جدید را برای ایران صدچندان کرده است.

در توسعه و تحکیم روابط ایران و عراق چند مؤلفه اهمیت دارد:

۱. نقاط اشتراک محکم دینی و فرهنگی بین دو کشور وجود دارد که تأثیر بسزایی در توسعه روابط دو کشور خواهد گذاشت؛

۲. منافع مشترک بین ملت‌های دو کشور، از جمله امنیت و ثبات و عدم حضور نیروهای بیگانه سلطه‌جو و همچنین مبارزه با تروریسم، باعث محکم‌تر شدن روابط ایران و عراق شده است. جمهوری اسلامی ایران با حمایت از حکومت مستقل عراق می‌کوشد به منافع خود دست یابد؛

۳. موقعیت برتر همکاری دو کشور است که هم‌گرایی را تشدید می‌کند. عراق به هر سرنوشتی که مبتلا شود، اهمیت ژئوپلیتیکی انکارناپذیری در اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. از دلایل چنین جایگاهی می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود اقلیت کرد در هر دو کشور؛ استقرار عتبات عالیات شیعیان در عراق؛ تعلق معنوی شیعیان ایران به آن. عراق تنها کشور عربی است که با ایران مرز زمینی دارد. طولانی‌ترین مرز ایران با کشورهای همسایه از آن عراق است. بعد از ایران، بیشترین تعداد شیعیان در عراق ساکن‌اند. عراق در دوره‌های طولانی، بخشی از جغرافیای سیاسی ایران بوده و در حال حاضر بخشی از جغرافیای فرهنگی ایران است. عراق تنها کشور عربی است که قادر است به ایران حمله کند و کشور ما را با چالش مواجه نماید. ایران دارای ذخایر عظیم در منابع مشترک نفت با عراق است و عراق در بین کشورهای عربی، بیشترین اشتراکات را با ایران دارد و می‌تواند مؤلفه‌ای مهم برای نفوذ و گسترش قدرت ژئوپلیتیکی ایران در کشورهای عربی و جهان اسلام باشد. همچنین عراق به‌عنوان کشوری بانفوذ در اوپک، سازمان اجلاس اسلامی و اتحادیه عرب می‌تواند به تحقق بیشتر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و هم‌گرایی با ایران کمک کند. همچنین موقعیت ژئوپلیتیک ایران و نقش آن در منطقه غرب آسیا ایجاب می‌کند این کشور از زمینه‌های موجود در سطح منطقه در جهت تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای، به بیشترین میزان بهره‌برداری کند. یکی از این زمینه‌ها انعقاد پیمان‌های دفاعی - امنیتی با کشورهای دوست و نیز توسعه همکاری‌ها با سازمان‌های دفاعی منطقه‌ای است که این هدف در راستای سیاست‌های امنیتی و دفاعی کلی نظام، در همکاری و توسعه روابط با کشور عراق دنبال می‌شود.

بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت راهکارهایی برای طراحی الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای پیشنهاد می‌شود؛ مانند بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه‌ای جهت تقویت جایگاه منطقه‌ای و تأمین نیازهای متقابل همدیگر، استفاده از ویژگی‌های هم‌جواری و اشتراکات فرهنگی و تاریخی یکدیگر در جهت تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی کشور در منطقه و جهان، تمرکز بر اشتراکات فرهنگی و تاریخی و مسائل مشترک مانند جبهه شیعه و موضوع فلسطین جهت تقویت روابط فی‌مابین، کاهش و تعدیل اختلافات قومی و مذهبی و ایدئولوژیک دو کشور با تأکید بر فرصت‌های مشترک، بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی و مذهبی جهت مقابله با پدیده تروریسم و ناامنی در منطقه.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Alavipour, M., & Nematpour, A. (2009). An interdisciplinary study on the modern society crisis. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 1(3), 141-167. (Persain)
- Asgarkhani, A. (2011). Analyzing the soft power of Islamic republic of Iran in current Iraq. *Foreign Policies*, 99, 11-20. (Persain)
- Barzegar, K. (2003). *12 years after the collapse of Soviet Union. Discourse: An Iranian Journal*, 5(1). (Persain)
- Barzegar, K. (2016). *Paradoxes: Analyzing the reasons of conflict between Iran and America in the post-9/11 era*. (Persain)
- David, S. (2016). Explaining Third World Alignment. *World Politics*, 43(2), 233-256.
- Dehghani Firoozabadi, J. (2012). Changes in the theories of orientalism. *Journal of Central Eurasian Studies*, 2(5), 99-116. (Persain)
- Gause, F. G. (2014). Beyond sectarianism: The new Middle East cold war. Brookings Doha Center Analysis Paper, 11, July.
- Ghasemi, F. (2012). A theoretical resolution for regional diplomacy: reformists and the systemic changing process of power. *Journal of Foreign Relations*, 4. (Persain)
- Hafeznia, M., & Ebrahim, R. (2005). Changes in the relationship between Iran and Saudi and its impact on the geopolitics of Persian Gulf. *Journal of Geographical Studies*, 20(2). (Persain)
- Haj Yousefi, A. (2019). *Development, oil, and fight with terrorism in Iran*. Tehran: Center of Islamic Revolution Document. (Persain)
- Karami, K. (2014). Principles and aims of foreign policies in Saudi Arabia. *Journal of International Studies*, 16. (Persain)
- Kasrayi, Sh. (2013). *Familiarity with infidels active in Suria*. Tehran: Iran. (Persain)
- Kazem Yadinan, M. (2015). *The reasons of Shiat's uprising in south of Persian Gulf*. Qom: Shiat Studies Press. (Persain)
- Kazemi, A. (2012). *Homogenizing theory in international relations*. Tehran: Qoms Press. (Persain)
- Larrabee, F. S. (2013). *Turkish-Iranian Relations in a Changing Middle East*. Santa Monica: Rand Corporation Ltd.
- Lerner, A. (2015). *Oxford dictionary*. Tehran: Samen Al-aeme. (Persain)

- Manteghi, E. (2010). The uniformity of paradoxes: Iran and Saudi Arabia, tactical cooperation and geopolitical contrasts. *Journal of Monthly Hamshahri*, 43. (Persain)
- Mearsheimer, J. (2007). Reckless States and Realism. *International Relations*, 23(2), 241-256.
- Moradi, B., Heidarlotfi, Z., Kafashian Tousi, F. (2019). Analyzing national security threats in border areas: the case of Kurdistan province. *Journal of Geography*, 10(1), 181-202. (Persain)
- Moshirzadeh, H. (2004). The dialogues among civilizations from the structural point of view. *Faculty of Law and Political Sciences*, 63, 169-202. (Persain)
- Najafi, A., Lotfi, H., & Mojtahedzadeh, P. (2019). Organizing border areas of Iran in Persian Gulf from the perspective of smuggling and tourism. *Journal of Geography*, 9(3). (Persain)
- Nami, M., & Mohammadpour, A. (2016). *Iraq geography focusing on geopolitical issues*. Tehran: Geographic Institute of Arm Forces. (Persain)
- Nematpour, M. (2014). *ISIS: current deviations*. Qom: Shiat Press. (Persain)
- Seifzadeh, H. (2017). *Theorizing in international relations: principles and thought forms*. Tehran: Samt. (Persain)
- Shadid, A. (2017). Syrian elite to fight protests to the end, New York Times, May 10 2011.
- Potter, L. G., & Sick, G. G. (2016). *Iran, Iraq, and the legacies of war*. New York: Palgrave Macmilla Press.
- Taghavi Asl, A. (2014). *Recent events in Iran and their impact on geopolitics of Iran*. Tehran: Center of Islamic Revolution Document. (Persain)
- Velayati, A., & Saeed Mohammadi, R. (2016). Analyzing the homogenizing experiences in the Islamic world. *Journal of Political Sciences*, 6(1), 48-54. (Persain)
- Wight, M. (2015). *Power politics*. New York: Holmes & Maier.
- Yates, D. (2019). *The Rentier State in Africa*. Trenton, New Jersey: Africa World Press.